

بررسی باورهای عامیانه در بین بانوان قالیباف چهارمحال و بختیاری

ملیحه مهدیان^۱

چکیده

یکی از راههای شناخت روحيات و خلییات مردم سرزمینها، شناخت فرهنگ و باورهای عامه است. فرهنگ عامه، که در نسلهای پیاپی، اندیشه‌های گرانبها و عواطف و نتایج فکر و ذوق ملل و اقوام گوناگون را به نمایش میگذارد، گنجینه‌یی زوال‌ناپذیر است که شالوده آثار معنوی و باشکوه زیباییهای بشریت بشمار می‌آید. در میان انواع گوناگون جلوه‌های فرهنگ ایران زمین، فرش دستباف جایگاه ارزنده‌یی دارد که بواسطهٔ دیرینگی، سرشار از مضامین اعتقادی و باورهای عمیق فرهنگی است. یکی از مناطق کهن بافت فرش در ایران، چهارمحال و بختیاری است. بافندگان هنرمند این خطه طی مراحل مختلف تولید فرش، مضامینی را در نظر گرفته و به اجرا درمی‌آورند که هر یک برگرفته از اعتقادات و باورهایی است که طی نسلهای متمادی بصورت سینه به سینه تا به امروز تداوم داشته است. در نوشتار حاضر باورهای این بافندگان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، بر اساس اسناد کتابخانه‌یی و میدانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و به تصویر درآمده است.

کلیدواژگان: فرهنگ عامه؛ باورهای عامه؛ بافندگان فرش؛ چهارمحال و بختیاری؛ بانوان قالیباف

مقدمه

افکار و باورهای عامه، از جمله یادگارهای فرهنگی است که ریشه در زندگی مردم آن دیار و تاریخ کهن آن سرزمین دارد. این باورها در زندگی مردم بشکل عملی گاهی تعیین‌کننده است؛ یعنی گاهی براساس یک باور- چه درست و چه غلط- انسانها در زندگیشان تصمیم میگیرند که

۱. کارشناس ارشد طراحی فرش، مدرس دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد؛ mmahdians65@yahoo.com

کاری را انجام بدهند یا انجام ندهند. فرش دستباف ایران بعنوان جلوه‌یی از فولکلور، در ادوار مختلف با زندگی مردم عجین بوده و همواره تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی آنان بوده است. بنابراین، این هنر در بین اقوام مختلف همواره مهمترین عامل انتقال باورها، آداب و رسوم، سنتها و فرهنگ ایرانی از نسلی به نسل دیگر بوده است. با توجه به قومیت‌های گوناگون و تنوع فرهنگی در ایران‌زمین، این باورها رنگارنگ میشوند و در جاهایی با هم اشتراکات و یا افتراق پیدا میکنند. فرش در منطقه چهارمحال و بختیاری با حفظ ویژگیهای بومی، نقشها و طرحهای خاص خود را پدید می‌آورد که برگرفته از عناصری همچون طبیعت، باورها، اندیشه‌ها، اساطیر و ذهنیات تراوش شده بافنده آن میباشد. در نوشتار پیش رو برخی از باورهای بافندگان این خطه که مرتبط با فرآیند تولید فرش هستند مورد بررسی قرار میگیرند.

فرهنگ عامه

«فرهنگ عامه» اصطلاحی کلی است برای جنبه‌هایی از فرهنگ بشری که از طریق شفاهی، مشاهده، تجربه و تقلید به زندگی مردم منتقل میشود. «اصطلاح فولکلور»^۱ از دو واژه «فولک»^۲ بمعنای مردم و طبقه و «لور»^۳ بمعنای دانش تشکیل شده است و در ایران فرهنگ عامه یا فرهنگ توده خوانده میشود (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۱).

بطور کلی عمده خصوصیات و ویژگیهای فرهنگ عامه عبارتند از:

الف) «فرهنگ عامه همه کشورهای اغلب زاینده تجربه و رویدادهای اجتماعی است. هیچ نمود فولکلوریک وجود ندارد که نتیجه تجربه‌یی از گذشتگان نباشد و یکی از علل اعتبار فولکلور همین است.

ب) ویژگی دیگر منطقه‌یی بودن آن است. هر منطقه‌یی متناسب با اوضاع و احوال جغرافیایی خویش دارای فولکلور خاصی است که انسان بوی خاک، گل و گیاه آن را در خلال مطالعه فولکلور حس میکند» (همان: ۱۲).

ج) «غیر شخصی بودن: یعنی پیدایش آن محصول کار فرد و شخص معینی نباشد.

د) شفاهی بودن: انتقال فرهنگ عامه از نسلی به نسل دیگر و یا از فردی به فرد دیگر همواره به

1. Folk - lore

2. Folk

3. Lore

طریق شفاهی بوده و این امور سینه به سینه منتقل شده‌اند.

ه) سنتی بودن: یعنی فرهنگ عامه ریشه در گذشته‌های هر چه دورتر دارد. این خصوصیات بطور کلی حدود و قلمرو فرهنگ عامه را معین میکنند و ملاحظه میشود که قسمت اعظم از محتویات ذهنی فرد مانند باورها، پندارها، داوریه‌ها و رفتارهای اجتماعی همه در قلمرو فرهنگ عامه وارد میشوند» (خلیقی، ۱۳۵۶: ۲۴).

برای فولکلور ایران سه پیشینه تاریخی میتوان لحاظ کرد: «دسته‌یی از مفاهیم فولکلوریک از دوران پیش از اسلام وجود داشته که گاه بصورت‌های دیگر در سنت اسلام جلوه‌گر شده‌اند و برخی جشنها و آیینهای ملی نیز با همان اصالت باستانی خود هنوز در میان مردم زنده‌اند.

دسته دیگر آنهایی هستند که ریشه اسلامی دارند و گاه با رنگ اسلامی و گاهی با رنگ و بوی ملیت و هویت ایرانی آشکار میشوند.

دسته سوم مجموع اعتقادات، باورها و موهوماتی هستند که ظاهراً ریشه ملی یا دینی ندارند، بلکه باید مبداء آنها را ترس انسان از طبیعت و نیروهای آن و یا بیم از بیماری و مرگ و حوادث گوناگون دانست» (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۴).

مطالعات فرهنگ عامه را میتوان به شش بخش تقسیم کرد:

اعتقادات و باورها^۱

اسطوره^۲

سنتها^۳

روایات^۴

گفتارهای عامیانه^۵

هنرهای عامه^۶ (گویی، ۱۳۸۵: ۱۳)

که در نوشتار حاضر از این میان تنها به اعتقادات و باورها پرداخته میشود.

1. Beliefs
2. myth
3. Traditions
4. Narratives
5. Folk saying
6. Folk arts

اعتقادات و باورها

باورهای هر قوم با فرهنگ آن قوم ارتباط مستقیم دارد. باورها بنیادیتترین مبانی جهان‌بینی انسان را در خود دارند و گاهی مسیر زندگی او را تغییر می‌دهند. «باورها، مفاهیمی کلی و مبهم درباره جهان و ماهیت جامعه هستند که مردم درستی آنها را بعنوان «واقعیت» قبول دارند و از آنجا که خواستگاه آنها، تجربه‌ها، سنتها و یا روشهای علمی میباشند، میتوانند تأثیر نیرومندی بر رفتار داشته باشند» (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۳: ۴۸). با تحول باورها، فرهنگ نیز گرایش و سمت و سوی دیگری به خود میگیرد؛ بنابراین با شناخت تحولات رخ داده در باورهای اقوام، میتوان به فرهنگ آن قوم پی برد. «قسمتی از این باورها حقیقی و واقعی و مبتنی بر بنیانهای ثابت شده و متقن هستند، اما بخشی از آنها بی پایه، بدون دلیل و در طول تاریخ توسط مردمان پذیرفته شده‌اند که به آنها خرافات میگویند» (سعیدی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). البته در مورد باورهایی که خرافات خوانده میشوند نمیتوان به صرف اینکه ما قادر به تبیین یک عمل و فهم یک مطلب یا رابطه نیستیم، آن را بی پایه و اساس و غیرواقعی تلقی کنیم، بلکه باید در بررسی این باورها از زاویه دید معتقدان به این مفاهیم به مسئله بنگریم. برخی از این اعتقادات ریشه در افسانه‌ها دارند، برخی ناشی از تعبیرهایی خاص از اصول مذهبی هستند و برخی سینه به سینه انتقال یافته و پذیرفته شده‌اند، بدون آنکه در صحت و سقم آنها تحقیق یا شک شود.

باورهای رایج در بین بافندگان فرش استان چهارمحال و بختیاری

از رایجترین باورهایی که در بین بانوان قالیباف استان چهارمحال و بختیاری وجود دارند میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

چشم‌زخم

سعادت و نحوست روزها

هدیه دادن

هم کاری و تعاون

سایر باورهای رایج

- چشم‌زخم

از باورهای مهم و اساسی در فرهنگ عامه، آزار و گزندگی است که گمان میرود از تأثیر موج منفی

و نگاه بد کسی، به انسان میرسد و با نامهای چشم زخم، چشم رساندن، چشم زدن، چشم شور، بد چشم و مخفف آن بصورت چشخ شناخته شده است.

در دایرةالمعارف فارسی آمده است: نظر دشمن، نظر حسود و نظر کسی که فاقد و طالب چیزی است و گاه هرگونه نظر تحسین، در اعتقاد عامه ممکن است چنین تأثیری داشته باشد. کسی را که گمان میرود چشمش چنین تأثیری دارد، بد چشم، شور چشم و چشم رسان میخوانند و نظر کردن او را به چشم زدن و چشم رساندن و نظر رساندن و امثال آن تعبیر میکنند» (مصاحب، ۱۳۴۵: ۸۵۱). در لغتنامه دهخدا/ در ذیل چشم زخم آمده است: «چشم زخم و چشخ و چشم شور و دیده شور و نظر شور عبارت از آن است که شخصی چیز حسین [بسیار نیکو] و مرغوب را نگاه کند و بطریق حسد در وی نظر اندازد و بعضی گویند در چشم زخم، حسد ضرور نیست، گاهی نظر دوست هم کار میکند» (دهخدا، ۱۳۳۷: ۲۰۰). «در منابع پهلوی از چشم زخم یا شور چشمی به دوژدئیژ یاد شده است» (رضازاده، ۱۳۸۶: ۸).

از نظر حوزه رواج، چشم زخم اعتقادی دیرینه و جهانشمول است و از جوامع ابتدایی در کشورهای باستانی مانند یونان، روم، چین، مصر و ایران گرفته تا ملل متمدن جهان امروز و از ادیان قدیمی مانند اعتقاد به ارباب انواع گرفته تا ادیانی چون: بودایی، یهودی، مسیحی و اسلام، نمونه های اعتقاد به آن را میتوان یافت (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۹۷). در اغلب موارد، گمان بر این است که بدخواهی و حسادت، در برابر خوشبختی و زیبایی دیگران، علت اصلی چشم زخم است. بنابراین در اروپای قرون وسطی و همچنین در جهان معاصر، تحسین شدن از سوی دیگران یا تملک چیزی که دیگران داشتن آن را تحسین میکنند، میتواند به بدشانسی تبدیل شود. برای همین است که عباراتی همچون "ماشاءالله" یا "خداحفظش کند" یا "خدا برکتش دهد" و امثالهم در عموم زبانها معمول است.

بررسی محققان نشان میدهد که اعتقاد به چشم زخم و شوری چشم در فرهنگ ملل، سابقه بی دیرینه دارد. آثاری که از نقاشیهای نخستین در درون غارها بدست آمده است، تا سنگ نوشته ها و آثار مکتوب قرون وسطی، همه رواج این اعتقاد را در بین اقوام و ملل گوناگون در قرون و اعصار مختلف تأیید میکنند. باستانشناسان در عراق، لوحهایی با قدمت پنج هزار سال بدست آورده اند که نشان از وجود این اعتقاد در تمدن سومر دارد. همچنین در گردن اجسادى که در گورستانهای سومری دفن شده اند، طلسمهایی بشکل چشم آویخته شده است که بر اساس تحلیل باستانشناسان با احتمال زیاد، برای چشم زخم بکار میرفته اند (همان: ۹۸).

وجه مشترک همه این اعتقادات آن است که عامل اصلی چشم‌زخم، سوء نیت و حسد است. بهمین دلیل، انواع تعویذها و وردها و ابزار دفع، به تناسب فرهنگ رایج ملل، بوفور یافت میشود. انواع تعویذها و وردها یا علائمی که بر گردن، بازو، لباس یا بر سردر باغها و املاک و یا در میان مزارع نصب میشود و همچنین استفاده از مهره‌های رنگی بویژه آبی، سیاه و سفید و یا قطعه‌یی از چوب برخی درختان، سنگ نمک، دندان مار، چشم باباقوری، خر مهره، بر زمین زدن تخم مرغ، دود کردن اسپند و دوری از هم‌صحبتی با افرادی که دارای چشمان آبی و موی بور هستند، از شیوه‌های متداول و رایج دفع چشم‌زخم است که از قدمت این اعتقاد کهن در بین مردم حکایت دارد.

چشم‌زخم از دیدگاه قرآن و حدیث

یکی از مسائل مطرح شده در قرآن چشم‌زخم و شورچشمی است و گزارشهای تاریخی قرآنی از گذشتگان و پیشینیان در اینباره وجود دارد؛ از جمله مشهورترین آیات قرآن در این زمینه آیه ۵۱ سوره قلم است که میفرماید: «و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون؛ کافران هنگامی که کتاب الهی را میشنوند نزدیک است با چشم‌زخم خود تو را از میان بردارند و میگویند او دیوانه است».

احادیث اهل بیت (ع) و سنت پیامبر اکرم (ص) نیز مدرکی دیگر بر حقیقت داشتن مسئله چشم‌زخم است. از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمودند: چشم‌زخم انسان (صحیح و سالم) را داخل قبر میکند و شتر را به دیگ میفرستد. مفسر و فیلسوف بزرگ علامه طباطبایی نیز میفرماید: چشم زدن نوعی از تأثیرات نفسانی است و دلیل عقلی بر نفی آن نداریم، بلکه حوادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق است و روایاتی هم بر طبق آن وارد شده و با این حال دلیلی ندارد که ما آن را انکار نموده و بگوئیم یک عقیده خرافی است (شاکر، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

بررسی چشم‌زخم از دیدگاه علمی

ابن سینا مبدأ چشم‌زخم را «حالت نفسانی اعجاب‌آوری میداند که در شخص یا شیء مورد تعجب تأثیر میگذارد» (مکلفاهی، ۱۳۶۳: ۴۸۹). بررسیهای علمی اثبات کرده است:

آدمی دارای نیروی شگفتی است که میتواند آثار مثبت یا منفی به جای بگذارد. دانشمندان امروز بر این باورند که در برخی افراد، روح و توان منحصر بفردی هست که میتواند اشیاء را نه تنها جابجا کند بلکه مانند اشعه لیزر آن را متلاشی نماید. این انرژی گاه از راه چشم ساطع

میشود. قدرت تخریبی چشم، بسته به نیروی باطنی هر شخص، مختلف است. انسانها بطور طبیعی از چنین توان و انرژی برخوردارند. البته در برخی از اشخاص بسبب علل طبیعی یا آموزشهای خاص و تحولات درونی و بیرونی تقویت میشود و ناخودآگاه آثار خود را بجا میگذارد، ولی اینگونه نیست که این نیرو اختصاص به برخی داشته باشد و دیگران از آن محروم باشند، بلکه همگان دارای نیرو و توانی از ایندست هستند (رضازاده، ۱۳۸۶: ۶).

از مهمترین اشیائی که برای دفع چشم‌زخم استفاده میشود و میتوان بصراحت گفت که در میان تمامی ایرانیان این مفهوم را دارد، خرمهره است؛ هرچند که برخی معتقدند کاربرد خرمهره در بین انسانها در ابتدا با مفهوم شیء تزئینی آغاز شده است، اما آنچه مسلم است خرمهره قرنهایست که با مفهوم دفع چشم‌زخم در باورهای عامه بکار میرود.

در قدیم بر این باور بوده‌اند که رنگ آبی خرمهره باعث جلوگیری از چشم‌زخم میشود؛ چرا که نظر فرد شور چشم را به خود جلب میکند و امروزه با تحقیقات علمی که در کانادا صورت گرفته، ثابت شده که رنگ آبی لعاب خرمهره دارای نوعی انرژی خاص است که اثرات سوء چشم انسان را به طرف خود جلب میکند (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۳).

تقریباً در تمام فرهنگهای لغت فارسی از جمله معین، دهخدا و عمید، خرمهره را به یک صورت معنی کرده‌اند: «نوعی مهره است به رنگ سفید یا آبی که بر گردن اسب یا خر میندند برای دفع چشم‌زخم. نام دیگر خرمهره "کوسوجی" است که برای دفع چشم‌زخم آن را به کلاه بچه میدوختند» (همان: ۵۰).

یکی دیگر از مواردی که برای رفع چشم‌زخم میتوان به آن اشاره کرد، دود کردن اسفند است. اسفند از دیرباز بشکل اسفندی به نخ کشیده شده و در قالب آویزهای تزئینی نیز نمود داشته است.

علی بلوک‌باشی که در زمینه فرهنگ عامه مردم ایران مطالعات فراوانی دارد در این خصوص مینویسد: "در میان برخی از ایرانیان رسم است طلسمهایی میساختند به این شکل که نخست دانه‌های اسفند را به چند رشته نخ میکشیدند، سپس آنها را با یکدیگر میبستند و از آنها مجموعه‌یی بشکل چهارگوش، سه‌گوش، لوزی و گرد درمی‌آوردند و روی اسفندهای بند کشیده را هم با لوله‌های پارچه‌یی و نخهای رنگی و ... نقش و نگار انداخته و اسفندیها را تزئین میکردند و آن را بر سردر خانه‌ها، اتاقهای نشیمن، در آغل‌های گوسفند و کشتزارها و

... می‌آویختند تا چشم بد و بلا و آفت را از خانه و اعضای خانواده و بطور کلی اموال مهمشان دور کند و برکت و فراوانی و سلامت بیاورد. امروزه نیز در خانه‌ها، اتومبیلها، محل کار و ... در قالب یک آرایه و تزئین استفاده میشود" (دهقانی، ۱۳۸۸: ۲۰). «همچنین از نمک شکل داده شده و سنگ نمک برای گرفتن شوری چشم بد استفاده میکردند. بدینصورت که سنگ نمک یا نمک شکل داده شده را در محلهای مختلف خانه خود آویزان میکردند» (همان: ۲۷). «در گذشته و حتی اکنون در بعضی از روستاها، اگر کسی چشم بخورد، ضمه زاج سفید^۱ را دور سرش میگردداند و وردی میخوانند و بعد آن را روی آتش می‌اندازند، اگر بشکل چشم شود او را چشم کرده‌اند و خوب میشود (همان: ۲۲).

اعتقادات بانوان بافنده استان چهارمحال و بختیاری در مورد چشم‌زخم

از روزگاران دور، انسانها بر این باور بوده‌اند که هر چیز با ارزش و نفیسی که نگاهها را متوجه خود کند، در معرض خطر چشم‌زخم قرار میگیرد. فرش نیز بعنوان کالایی با ارزش و اساسی، همواره در معرض چشم‌زخم قرار داشته است. بنابراین با توجه به این مسئله، بانوان بافنده این خطه نیز معتقدند: - آویزان کردن مهره‌های سفالی با لعاب فیروزه‌یی یا کیسه‌های نمک به وسط کوچی قالی و بطور کلی دار قالی برای جلوگیری از چشم‌زخم ن متداول است^۲ (مشاهدات نگارنده). - برای شروع به بافت قالیهای نفیس معمولاً گوسفندی را قربانی کرده و از خون این قربانی به دار قالی میمالند تا از چشم بد در امان بماند^۳ (معصومه امانی، نرگس حیدری، عصمت مهدیان). - اگر قالی مدت زیادی باشد که بر روی دار مانده و بافته نشده باشد، خروسی را قربانی میکنند تا قالی زودتر تمام شود (محترم علیدوستی). - اعتقاد بر این بوده که در موقع رنگرزی و شستشوی خامه‌هایی که با رناس رنگ میشود نباید چشم شور به آنها بیفتد، زیرا؛ بومش نمیداد. به همین دلیل پس از اینکه خامه‌ها را از آب خارج

۱. صرفاً به این جهت که زاج در رنگرزی فرش مورد استفاده قرار میگیرد بیان شده است.

۲. کوچی آبی، اسپند و یا نمک بر تمامی دارها قابل مشاهده است.

۳. در بخشی از کتاب نیرنگستان با عنوان «دستورها و احکام عملی» بیان شده است که در خانه را که کار میگذارند قصاب باید دستش را به خون قربانی آلوده کرده و به در بزند و در توضیح آن آمده است: اینگونه قربانیهای خونین مخصوص اقوام سامی، عربها و جهودهاست، بخصوص نزد کلیمها خیلی شیوع دارد (هدایت، ۱۳۱۲: ۵۷).

۴. رنگ خوب از آب در نمی‌آید و خوش‌رنگ نمیشود.

میکنند، بر روی هر کلافی که آویزان است تکه‌یی پنبه را با دست بصورت گلوله‌های کوچک در آورده و روی کلافها میگذارند تا این تکه‌ها چشم بد را دور نگه دارند و پس از خشک شدن کلافها آنها را بر میدارند (شهناز تقی‌زاده و ...).

- در موقع بافت قالی اگر مهمانی برسد و از تعداد رجهای بافته شده در آن روز از بافنده سؤال کند، بافنده برای چشم نخوردن تعداد رجهای بافته شده را نگفته و یا عدد کمتری را بازگو میکند (معصومه رحیمی، مریم عالی‌پور).

- حاشیة باریک قالی که پس از ساده‌بافی با دو رنگ (معمولاً سیاه و سفید که در بین عشایر دندان موشی یا دندان موشکی خوانده میشود و در شهر کرد گل نو خوانده میشود) بافته میشود برای دور کردن چشم بد است (فرانک کبیری، عصمت مهدیان و ...).

- نقشهای لوزی، نقوش جا پر کن و کوچک، نقش چار تیهو ترنج مرکزی بخصوص در بافته‌های عشایری نمادی از چشم هستند و برای دفع چشم بد بکار میروند (فرانک کبیری).



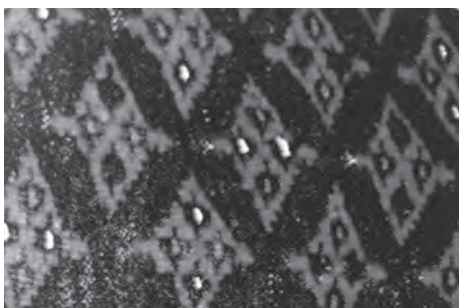
تصویر ۱) استفاده از مهره آبی بر روی کوچی (منبع: نگارنده)



تصویر ۲) استفاده از مهره آبی و اسپند بر روی چله‌ها (منبع: نگارنده)



تصویر ۳) دندان موشی (دندان موشکی) (کبیری، ۱۳۹۴: ۹۴)



تصویر ۴) نقش چارتیه (کبیری، ۱۳۹۴: ۱۰۸)

سعدت و نحوست روزها

یکی از مسائل مهمی که در میان ملل و اقوام گوناگون مورد توجه بوده و مردم کم و بیش بدان معتقد بوده‌اند، "سعدت و نحوست ایام" است که بعضی از روزهای سال و ماه و هفته یا برخی از ساعات روز را سعید و مبارک و بعضی دیگر را نحس و شوم می‌شمرند. همین اعتقاد سبب می‌شود که در روزهای مبارک، اعمالی چون دعا، عبادت، دید و بازدید، ازدواج و امثال آن را انجام دهند و متقابلاً در ایام شوم، از انجام دادن بعضی از کارها اجتناب ورزند. بررسی اجمالی این مسئله که گاهی با مخالفت عده‌یی رو برو می‌شود و نحوست یا سعدت بعضی از روزها و ساعات را خرافات و بی مبنا و بدون ارزش معرفی می‌کنند و متقابلاً بنظر عده‌یی قابل توجه و اعتنا شمرده می‌شود، از مسائل مهمی است که دارای آثار روحی و اجتماعی نیز می‌باشد.

سعدت و نحوست در قرآن

در قرآن کریم، واژه نحوست دو مرتبه و در بیان ماجرای قوم عاد بکار رفته است: اول هنگامی که قوم عاد، به ناحق تکبر و سرکشی نمود و عذاب خداوند بر آنان نازل شد^۱ و دوم هنگامی که

۱. سوره فصلت، آیه ۱۶

قوم عاد، پیامبر خود حضرت هود (ع) را تکذیب کرد و گرفتار عذاب الهی شد.^۱ علامه طباطبایی در اینباره میگوید: نحوست آن است که حوادثی که رخ میدهد، جز شر بدنبال نداشته باشد و اعمال برای عامل آن، هیچگونه خیر و برکتی نداشته باشد (ورعی، ۱۳۷۸: ۶۵). ایشان در مورد سعادت و نحوست ذاتی ایام معتقد است:

طبیعت مقداری زمان، دارای اجزای متشابهی است و چون ما هیچگونه احاطه‌یی به علل و اسبابی که سبب بروز حوادث و تحقق اعمال میشود، نداریم، تا گذشت روز و قطعه‌یی از زمان را از علل و اسباب سعادت و نحوست بشماریم، از اینرو، تجربه‌ی کافی در این زمینه سودی ندارد. زیرا همانطور که راهی برای ثبوت نحوست و سعادت از طریق برهان وجود ندارد، راهی برای نفی آن هم نیست (همان: ۶۶-۶۷).

سعادت و نحوست ایام در روایات

آنچه در اینجا مطرح میشود، سعادت و نحوست در روایاتی است که سخن از سعادت و نحوست ایام و یا سعادت و نحوست کواکب و اجرام آسمانی دارند و انجام دادن اعمالی را در روزهای مبارک و ترک اعمالی را در روزهای شوم و نا مبارک سفارش میکنند. این روایات، تحت عنوان "اختیارات الایام" مورد توجه محدثان و پاره‌یی از علمای اخلاق و فقها قرار گرفته است.

علامه طباطبایی از مجموع روایات در این زمینه، اینگونه نتیجه‌گیری میکند: خلاصه آنکه این همه روایات، به بیش از اینکه سعادت و نحوست ایام مبتنی بر حوادثی است که با دین نوعی ارتباط پیدا میکند و بر حسب ذوق دینی یا تأثیر در نفوس، موجب حسن یا قبح میشود، دلالت ندارد؛ اما اتصاف یک روز یا قطعه‌یی از زمان به صفت خوشی و میمنت یا نحوست و بدیمنی و اختصاص آن به خواص تکوینی که از علل و اسباب طبیعی تکوینی ناشی شود، صحیح نیست و روایاتی که ظاهراً در این معنا باشند، یا باید بر تقیه حمل شوند یا غیرقابل اعتماد شمرده شوند (همان: ۷۵).

اعتقادات بانوان بافنده‌ی استان چهارمحال و بختیاری در مورد سعادت و نحوست ایام

در امر قالی‌بافی نیز از آنجایی که یکی از مشاغل و منابع درآمد مهم برای خانواده‌ها و در عین حال کاری پر زحمت و مشقت بوده است، اعتقاد به سعد و نحس بودن روزها وجود داشته که البته

امروزه بسیار کمرنگتر شده است.

- در روزهای خوش‌یمن شامل: اعیاد، تولد ائمه و گاهی بر اساس تجربه شخصی، چله‌کشی و بافت صورت میگیرد (رضا سلطانی، مجید حامدی و ...).

- در روزهای بدیمن مانند: ایام شهادت معصومین، دهه محرم و سیزده صفر و ... چله‌کشی و بافت انجام نمیشود. همچنین بافت ابتدای زمینه فرش و یا خشت جدید را در این روزها انجام نمیدهند.

- در روزهای تاسوعا و عاشورا به هیچ عنوان قالی بافته نمیشود.

- در روزهای سنگین مثل شنبه، چهارشنبه و جمعه بعد از ظهر چله‌کشی انجام نمیدهند و معتقدند اگر در این زمانها چله‌کشی صورت گیرد، قالی خوب پیش نمیرود و در روند بافت مشکلاتی بوجود می‌آید. اما معمولاً پایین‌کشی قالی در روز جمعه صورت میگیرد (مهین صحراگرد، آریتا حیدری، محترم چوپانی، مونس قلی‌زاده و ...).

در مورد روزهای هفته باید گفت که هر شخص یا خانواده‌یی براساس تجربه شخصی خود فلان روز یا روزهایی از هفته را بد یا خوب میدانند، که این روزها ممکن است در جای دیگر و برای اشخاصی دیگر به اینصورت نباشد (از بین سی بافنده، بیست نفر به روزهای ذکر شده اشاره کرده‌اند).

- یکی از اعیادی که در آن روز کار بافت و خیاطی (کار با سوزن) صورت نمیگیرد، عید غدیر است. اعتقاد بر این است اگر در این روز کار بافت و یا خیاطی انجام شود، سر انگشت شخص عقربک میشود!

- همچنین در روز عید قربان کار بافت انجام نمیشود و اعتقاد بر این است که اگر در این روز کسی قالی ببافد و یا خیاطی کند در مکه به پای حاجیها تیغ میرود (عصمت مهدیان و ...).

صادق هدایت معتقد است: «اعتقادات و خرافاتی مانند سعد و نحس روزها، ساعتها، تأثیر ستاره‌ها در سرنوشت انسان، قربانیها و ... از ملل بیگانه مانند سیتها، پارتها، یونانیها، رومیها و بخصوص ملل سامی مانند کلدانیان، یهودیان و عربها به ایران سرازیر گردیده و یا تحریف و دخل و تصرف در آداب بومی بوده که بصورت بیگانه در آورده‌اند. بی آنکه بخواهیم داخل مبحث تاریخی شویم، [باید بگوییم] این تأثیر از زمان هخامنشیان و نفوذ مغها در دین زرتشتی آغاز شد. چون میدانیم که اغلب آنها از نژاد بیگانه بوده‌اند؛ مانند: سیتها و پارتها و سامیها و کار آنان اخترشناسی، طالع‌بینی

۱. عقربک: زخم و ورم دردناک که در سر انگشت پیدا میشود (این باور در کتاب نیرنگستان اثر صادق هدایت نیز بیان شده است).

و جادوگری بوده و بالأخره همانها سبب شدند که دین زرتشتی را بواسطه خرافاتی که به آن بستند ضعیف کنند. برای نمونه، این قسمت از کتاب *تفائل نزد کلدانیان* تألیف لونورمان را نقل میکنیم: "چوبهایی که کلدانیها و به تقلید از آنها عربها برای طالع بینی استعمال میکردند مانند ترکه های گز است که مغان مدی برای همین نیت بکار میبرند ... وقتی که در دین زرتشت متنفذ شدند استعمال برسم را در آن داخل کردند، با وجود اینکه روحیه دین زرتشت از پیش گویی و خرافات متنفر و گریزان است. برسم^۱ یکی از لوازم آداب پیشوایان مذهبی گبرهاست که به کیش پدرانشان وفادار مانده اند ... " در یادداشت می افزاید که در قسمتهای کهنه اوستا به برسم و استعمال آن اشاره نشده است» (هدایت، ۱۳۱۲: ۹).

هدیه دادن

کاربرد هدیه در تمامی ایام باعث حفظ روابط اجتماعی و عاطفی عمیق میان افراد و اقوام ایرانی شده و بین آنها پیوستگی و پیوند اجتماعی برقرار میکند و بدین ترتیب هدیه دادن بعنوان یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی شناخته میشود.

هدیه در لغت، بمعنی تحفه، سوغات و ارمغانی است که به رسم تحبیب و بزرگداشت به کسی بدهند یا برای او بفرستند؛ پس مطلق بخشش را "هدیه" میگویند. اما تحفه و ارمغان بیشتر به اشیاء نفیس یک شهر و دیار اطلاق میشود که به هنگام بازگشت از آنجا برای اهل و عیال، خویشان و دوستان، به رسم یادبود و بجهت بزرگداشت آنان تهیه میگردد (دهخدا، ۱۳۳۷: ۱۶۴).

مفاهیم و مصادیق هدیه در روایات

مطالعه و بررسی روایات امامان معصوم علیهم السلام نشان میدهد که هدیه در سیره و سنت، مفهومی وسیع دارد که هم شامل مادیات و اموال و اشیاء میشود و هم امور معنوی را دربرمیگیرد. در آموزه های دینی، بیان عیوب دوستان از روی خیرخواهی و بجهت اصلاح، هدیه یی تلقی شده

۱. « برسم شاخه های باریک پی کرده بود به درازی یک وجب که از درخت گز و هوم و اگر درخت گز و هوم نبود از درخت انار ببرند و رسم بریدنش آن است که اول برسم چین را کاردی باشد که دسته آن هم آهن بود پادبازی کند، یعنی بشویند پس زمزمه نمایند ... هرگاه خواهند نسکی از نسکهای زند بخوانند یا عبادت کنند یا بدن بشویند یا خوردنی بخورند چند عدد برسم بدست بگیرند. از شروط گرفتن برسم به دست بدن، شستن و جامه پاکیزه پوشیدن بود» (هدایت، ۱۳۱۲: ۱۰).

است که برادران دینی به یکدیگر اهدا میکنند. امام صادق (ع) میفرماید: محبوبترین برادران نزد من کسی است که عیبهایم را به من هدیه دهد (مرا نسبت به آنها آگاه کند). با هدیه، حس اعتماد و اطمینان را در خود و دیگران ایجاد میکنیم؛ بگونه‌یی که آنان حس میکنند نزد ما محترم و عزیز هستند و با این کار، آنان را برده محبت خود کرده‌ایم و در اینصورت است که ما نزد آنان نه تنها محترم میشویم، بلکه حرف و سخن ما را از دل و جان میشوند و حاضر میشوند در راه ما فداکاری کنند و این روحیه، بویژه در روابط کاری ضرورت دارد.

اعتقادات بانوان بافنده‌ استان چهارمحال و بختیاری در مورد هدیه

در ایران افراد به مناسبت‌های مختلف برای همدیگر هدیه تهیه میکنند. از جمله این مناسبت‌ها که در استان چهارمحال و بختیاری بصورت یک رسم در آمده هدیه دادن برای شروع و یا پایان کاری از جمله قالی بافی است.

- هر کسی که برای اولین بار دار قالی بر پا میکند، تمامی اقوام و نزدیکان جمع شده و هر کس در حد توان برای آن شخص هدیه‌یی تهیه کرده و تقدیم میکند. این هدیه به سَر تمداری^۱ (سرقالی) معروف است (آزیتا حیدری).

- در روزی که قالی به اتمام رسیده و بریده میشود، صاحب قالی باید به بافندگان و تمام کسانی که در آن زمان در خانه هستند (حتی اگر بافنده هم نباشند) هدیه بدهد.

- هنگام بر پا کردن دار قالی در خانه و چله دوانی، از طرف استادکار (تولیدکننده) به بافنده هدیه داده میشود (روح‌انگیز علیدوستی، ایران کاظم‌پور).

هدیه چه بصورت مادی باشد و چه معنوی، اثرات روانی زیادی هم بر شخص هدیه‌دهنده و هم بر شخص هدیه‌گیرنده دارد. زیرا فرد هدیه‌دهنده به این ارزش معنوی در ذات خود رسیده است که اکنون وقت قدردانی، تشکر و احساس و ابراز همدلی و درک متقابل است و در مقابل، فرد هدیه‌گیرنده نیز به ارزش معنوی این کار پی خواهد برد و با دریافت هدیه به این نتیجه میرسد که برای طرف مقابلش مهم بوده و احساس میکند که با نوع هدیه‌یی که دیگری به او داده است، ارزش و قدر و منزلتش از سوی فرد هدیه‌دهنده درک شده است.

- همکاری و تعاون

۱. تمدار: دار قالی یا گبه و سایر بافته‌های عشایری چون چوقا، گلیم و ... است.

مشارکت، جوهره زندگی آدمی است و در یک جامعه وقتی افراد کنار یکدیگر قرار میگیرند، از همکاری و تعاون با هم نیز برخوردار میشوند. بعبارتی، نه گروه اجتماعی بدون تعاون امکان دارد و نه تعاون بدون گروه، در نتیجه باید گفت که با هم متولد شده‌اند و تا ابد نیز با هم خواهند بود. همکاری و تعاون جوهریترین صفت و بنمایه تشکیل گروه و جامعه است. در فرهنگهای مشهور به ابتدایی! و کمی خفیفتر از آن در کشورهای کهن فرهنگ، جمله "این مشکل شماست" هیچگاه وجود نداشته است. مشکل هرکس، مشکل کل جامعه تلقی میشده و در مواقع ضروری بدون هیچ چشم‌داشتی به یاری یکدیگر میشتافته‌اند.

اعتقادات بانوان بافنده استان چهارمحال و بختیاری در مورد همکاری

در فرهنگ عامه با نوعی جامعه‌شناسی تعاون روبرو هستیم؛ مشارکت، مساعدت و همکاری در همه امور زندگی اعم از در نان پختن، خانه ساختن، عروسی و عزا، درو کردن و خرمن کوبی و... دیده میشود. البته این امر امروزه کمرنگتر شده، اما یکی از عرفهای محلی در استان چهارمحال و بختیاری کمک و همیاری در امر قالی بافی است.

- وقتی که قالی به انتها نزدیک م شود (معمولاً از حاشیه آخر) نزدیکان بافنده همه جمع شده و به کمک بافنده می آیند. زیرا اعتقاد دارند چون قالی مدت زیادی بر دار بوده، گناه دارد و خسته شده است. به این ترتیب همه به هم کمک میکنند تا زودتر قالی را به اتمام رسانده و از دار پایین بیاورند (تهمینه و مدینه اصغریان، عصمت مهدیان، ایران کاظم‌پور و ...).

- گاهی نیز همسایگان یا نزدیکان برای پیشرفت سریعتر در بافت قالی روزهای هفته را به زوج و فرد تقسیم کرده و هر روز را به کسی اختصاص میدهند و در بافت همدیگر را یاری میکنند (مریم محبی، فاطمه جعفریان).

- در فرخ شهر یکی از شهرهای مهم در امر بافت قالی در استان چهارمحال و بختیاری، بافندگانی هستند که به اصطلاح «هیار»^۱ خوانده میشوند و به دو صورت برای قالی بافی به منازل مردم میروند. تعدادی از هیارها بصورت مبادله‌ی کار میکنند و در ازای کارشان دستمزدی نمیگیرند لیکن صاحب قالی باید در زمان مناسب به همان میزان به یاری آن هیار برود. دسته دیگر بصورت دستمزدی کار میکنند (رضا درخشنده، محمود شاهقلیان).

در عصر حاضر و با رشد بی‌سابقه فرهنگ کاسب‌کارانه، برخی ممکن است تأثیر عواطف دگردوستانه و یاریگری را کمتر از حد واقع برآورد کنند. اما در واقع تأثیرات این عواطف در زندگی فردی و اجتماعی، بسیار بیش از آن است که تصور میشود.

- دیگر اعتقادات بانوان بافنده استان چهارمحال و بختیاری

عقاید بسیاری در جامعه ما وجود دارند که از گذشته‌های دور به ما به ارث رسیده‌اند. ممکن است دلایل زیادی باعث بوجود آمدن آنها شده باشند؛ مانند تلقین کردن یا تأثیر انتظارات شخص بر مشاهدات او، مثلاً اینکه زمانی افراد انتظار وقوع یک حادثه را داشته باشند و برخی اتفاقات ناگهانی را به آن نسبت میدهند. این عقاید را افرادی خرافه‌مینامند و افرادی بعنوان یک واقعیت میپذیرند.

گاهی اعمالی توسط افراد جامعه صورت میگیرد که بعلت بدیهی فرض کردن یا همه گیر بودن در خرافه بودن آن کسی شک نمیکند و بنظر میرسد گسترش سطح سواد و فرهنگ عمومی جامعه منجر به کاهش اعتقاد خرافی میشود، اما باید اذعان داشت که حتی انسانهای مدرن نیز نمیتوانند خرافات را رد کنند و یا عملاً از آن خلاص شوند و این موارد کم و بیش همچنان وجود دارند.

- اول صبح (که معمولاً قبل از طلوع آفتاب است) برای شروع قالی‌بافی دور قالی را آب میپاشند تا به سبب روانی و روشنایی آب، کار بافت قالی نیز در طول روز راحت و روان پیش برود (رضا سلطانی، ایرج حیدریان، نرگس حیدری).

- موقع چله‌دوانی قالی به کسی که معتقدند پایش سبک است میگویند راه برود تا کار قالی زودتر تمام شود (فرانک کبیری).

- هنگام چله‌دوانی و شله زدن (گلیم باف اول قالی) و آغاز کار بافت در هر بامداد، هیچیک از اعضای خانه نباید تکان بخورند مگر کسی که پا سبک و خوش قدم باشد و با تکان دادن پای این شخص، کار مورد نظر شروع میشود^۱ (معصومه رحیمی، محترم چوپانی).

- اول صبح، شروع قالی نباید با پود دادن و کوبیدن باشد، بلکه باید خفت زده شود، زیرا کار سنگین میشود و تا شب کار بافت خوب پیش نمیرود^۲ (تهمینه اصغریان، زهرا نکویی).

۱. پا سبک بودن اشخاص معمولاً از روی تجربه مشخص میشود. عده‌یی هم اعتقاد دارند افرادی که قبل از طلوع آفتاب به دنیا آمده باشند پا سبک هستند. عده‌یی دیگر نیز اعتقاد دارند افرادی که اسم ائمه دارند پا سبک هستند.

۲. در گذشته بخصوص در کارگاههای قالی‌بافی با توجه به اندازه قالی و تعداد بافنده‌ها، در هر روز باید مقدار رج مشخصی بافته میشد، بنابراین اعتقاد به این موارد بسیار بیشتر بود.

- بعد از شله قالی (گلیم باف ابتدای قالی) دو خفت اول را با رنگ سبز میزنند. اعتقاد بر این است که رنگ سبز برای شروع کار شگون دارد (علی آرامی، عصمت مهدیان).

- در بین عامه اعتقاد بر این است که قالی جان دارد، بر همین اساس، هنگامی که قالی به اتمام میرسد و قبل از بریدن آن به پایه‌های دار و چله‌ها کمی آب میپاشند و میگویند قبل از بریدنش باید آب بخورد و سپس قالی را میبرند^۱. این موضوع از مواردی بوده که در بین اکثریت قالی بافان منطقه رواج داشته و هم‌اکنون نیز در بین قدیمیترها رایج است و بعنوان یک موضوع عادی و یکی از مراحل بریدن قالی بحساب می‌آید.

- برای گشایش در کار و یا بخت، هنگام بریدن قالی، افرادی که نیتی دارند حضور پیدا میکنند تا قالی که بریده میشود با آزاد شدن قالی از دار، گره از کار آنها نیز باز شود (نرگس حیدری، شهناز تقی‌زاده، معصومه رحیمی).

- موقع بریدن قالی هر کسی حاجت دارد، پشت به قالی مینشیند تا چله‌ها که بریده میشوند، همراه با سنگینی چله‌ها ناامیدی و مشکلات شخص نیز ریخته شده و حاجتش برآورده شود (مریم عالی پور).

- اعتقاد بر این است که رج آخر قالی حاجت را برآورده میکند و هرکس یک خفت از آن را بزند، حاجتش برآورده میشود^۲ (زهرا نکویی، مدینه اصغریان).

- شخصی که قصد بریدن قالی را دارد، باید یک نخ چله را بریده و دور سر خودش ببندد، تا در آن موقع بر اثر سنگینی چله‌ها دچار سردرد نشود (محترم و روح‌انگیز علیدوستی).

- اگر چند نفر در حال بافت یک قالی باشند، ادامه خفت یک بافنده را بافنده دیگر نمیبرد، چون آن بافنده که خفت خودش را نبریده تا آخر قالی کارش خوب پیش نمیرود و باصطلاح دستش بسته میماند (فاطمه جعفریان، مونس قلی‌زاده).

- اگر بعد از اتمام قیچی کردن رج قالی و کنار گذاشتن قیچی، لبه‌های قیچی از هم فاصله داشته و باز مانده باشند، نشان‌دهنده این است که کسی پشت سر بافنده غیبت میکند (ایران کاظم پور، مریم محبی).

- وقتی که قالی بریده میشود، اگر زنی حامله در خانواده و یا در بین آشنایان باشد، کوجی قالی

۱. در بین بافنده‌ها این اصطلاح برای پود ضخیم بکار میرود: پودی که دهن قالی میگذارند!

۲. این مورد میتواند یکی از راههای تشویق به کمک‌رسانی و همکاری در به پایان رساندن بافت قالی نیز باشد.

را به نیت آن زن در دالان خانه (پشت در، سر گذر) می‌گذارند و اگر اولین شخصی که رد میشد مرد باشد، میگویند بچه آن زن پسر است و اگر آن شخص زن باشد، میگویند که آن بچه دختر است (این مورد در بین اکثر بافندگان رایج بوده است).

- در رنگرزی با رناس پس از اتمام رنگرزی و به آب بستن، اگر رنگ مورد نظر بدست نیامده باشد، آن خامه‌ها را باصطلاح عروس میکنند و آن به اینصورت است که خامه‌ها را در تشتی ریخته، روی آنها را سفره میکشند و روی سفره را لحاف پهن میکنند و مدتی به همین صورت میخوابانند تا رنگ مورد نظر بدست آید (افسانه قالی).

- قالی‌یی که تا نصفه بافته شده و متعلق به دیگران باشد نه قبول میکنند و نه خریداری میکنند و معتقدند که قالی نصفه، نیامد دارد و اگر وفا میکرد به صاحب اولش وفا میکرد^۱ (مریم عالی‌پور، مهین صحراگرد و ...). این مورد نیز از مواردی است که اکثریت، حتی افراد تحصیل‌کرده و بافنده‌های جوانتر نیز به آن اعتقاد دارند و به اتفاقاتی که پس از قبول قالی نیمه‌بافته برایشان افتاده از جمله مرگ عزیزان، بروز بیماری‌های ناعلاج و مواردی از ایندست اشاره میکنند.

- موقع بر پا کردن دار قالی، به نیمه رساندن آن و پس از بریدن قالی، نزدیکان بافنده دور هم جمع میشوند و آش رشته میپزند. پختن صرفاً آش رشته به این دلیل است که بواسطه داشتن رشته، بخصوص پس از بریدن قالی، باعث تداوم داشتن دار و بافت قالی در آن خانه میشود (یعنی رشته کار از دستشان در نمی‌رود) (این مورد در بین اکثر بافندگان رایج بوده است).

- اگر بین دو شخص کدورتی باشد و یکی از آنها قصد رفتن به خانه دیگری را داشته باشد، پیش از رفتن با خود میگوید: پام پا گرازه / قالیش یه سال درازه^۲ (معصومه رحیمی، مونس قلی‌زاده). لازم بذکر است که تمامی باورهای ذکر شده، بر اساس تحقیقات میدانی نگارنده میباشند و در اکثر مناطق استان چهارمحال و بختیاری رواج دارند.

نتیجه‌گیری

دانش عامه، مبانی شناخت و آگاهی اجتماعی است که پاک، بی‌پیرایه و سالم، هویت یک گروه

۱. معمولاً این قالیها به دو دلیل نصفه میمانند: ۱) مسائل بد: مانند مرگ یکی از عزیزان بافنده (که به این ترتیب بافنده میلی به بافتن قالی ندارد) و یا مخالفت همسر با بافت قالی ۲) مسائل خوب: مانند ازدواج بافنده.
۲. یعنی قدم سنگین و بد من باعث طولانی شدن مدت زمان بافت قالی شود.

اجتماعی را ترسیم میکند. مردم یک گروه، یک ایل و یک قوم به هم وابستگی و پیوستگی دارند؛ یعنی همه در حیات مشترک فرهنگی و تاریخی با همان دانش عامیانه خود، مرتبط هستند و همان دانش را در رفتار، گفتار و کردار خویش و زندگی روزمره خود به نسلهای بعدی آموزش داده و منتقل میکنند. به همین دلیل فولکلور پلی ارتباطی است که وابستگیهای درون فرهنگ و انسجام فرهنگی جوامع را تحکیم میبخشد و ضمانت میکند. باورهای عامه در اوج سادگی و خلوص، دارای بارهای عمیق هنری هستند و خصلت هنرمندانه آنها در آن است که ساده و سریع‌الانتقالند و بدون هیچ پیرایه و تکلفی و گویی در بروز و ظهور آنها یک مصلحت بزرگ اجتماعی مدنظر میباشد؛ مصلحتی که باعث همبستگی اجتماعی میشود. از آنجایی که هنرهای سنتی بخصوص فرش با خلق و خو و زندگی مردم این سرزمین عجین شده‌اند و بنوعی ناقل فرهنگ هستند، بنابراین مطالعه باورها و اعتقاداتی که در بستر خلق این هنرها پدید می‌آیند، کمک بسیار شایانی هم در جهت شناخت زوایای پنهان و نمادین این هنرها هستند و هم اینکه با بهره‌گیری از باورهای مثبت و مفید و قابل توسعه در جامعه امروز، باعث تعالی فرهنگ مناطق مختلف میشوند.

منابع

الف) کتب

- قرآن کریم

- تمیم‌داری، احمد؛ فرهنگ عامه، تهران: انتشارات مه کامه، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- شاکر، سیداسماعیل؛ خرافات در زندگی مردم و واقعیاتی که خرافه می‌پندارند، قم: انتشارات ذکری، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، جلد ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۲۷، ۱۳۳۷.
- رنجبر، محمود؛ ستوده، هدایت‌الله؛ مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- روح‌الامینی، محمود؛ آیینها و جشنهای کهن در ایران امروز (نگرش و پژوهش مردم‌شناختی)، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
- رضازاده، طاهره؛ چشم زخم از دیدگاه شاعران، تهران: نشر کاکتوس، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- قنبری عدیوی، عباس؛ فولکلور مردم بختیاری، شهرکرد: انتشارات نیوشه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- کبیری، فرانک؛ ز پود محنت و تار محبت، شهرکرد: انتشارات دانشگاه شهرکرد، چاپ اول،

۱۳۹۴.

- گویری، سوزان؛ *آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- مصاحب، غلامحسین؛ *دایرةالمعارف فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد اول، ۱۳۴۵.
- ملکشاهی، حسن؛ *ترجمه و شرح اشارت و تنبیهاات ابن سینا*، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- هدایت، صادق؛ *نیرنگستان*، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۱۲.

ب) مقالات

- خلیقی، محمود؛ «فرهنگ عامه خصوصیات، کنش و نقش آن»، *فرهنگ و زندگی*، شماره ۲۵ و ۲۶، ۱۳۵۶.
- سعیدی، سهراب؛ «بررسی باورها و عقاید عامیانه مردم هرمزگان»، *پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان*، شماره هشتم و نهم، ۱۳۹۴.
- غلامحسین زاده، غلامحسین؛ *روح‌الامینی*، محمود؛ *قنبری*، افسون؛ «عوامل چشم‌زخم در شعر شاعران فارسی»، *کهن‌نامه ادب فارسی*، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۹.
- ورعی، سید جواد؛ «سعادت و نحوست ایام»، *علوم قرآن و حدیث*، شماره یازدهم، ۱۳۷۸.

ج) پایان‌نامه

- دهقانی، طیبه؛ *بررسی خرمهره سازی در ایران و مفاهیم آیینی مرتبط با آن*، پایان‌نامه کارشناسی صنایع دستی، استاد راهنما: حمید صادقیان، دانشگاه شهرکرد، ۱۳۸۸.

د) مصاحبه‌ها

- آرامی، علی، (۹۳/۶)، کارشناس طراحی فرش، دانشگاه شهرکرد.
- امانی، معصومه، (۹۳/۸)، کارشناس ارشد مدیریت فرش از دانشگاه اردکان یزد.
- اصغریان، تهمینه، (۹۳/۷)، ۳۷ ساله. تحصیلات: سیکل. بافنده. دستنا.
- اصغریان، مدینه، (۹۳/۷)، ۵۲ ساله. تحصیلات: ابتدایی. بافنده. دستنا.
- تقی زاده، شهناز، (۹۳/۷)، ۶۰ ساله. تحصیلات: ابتدایی. بافنده. شهرکرد.
- جعفریان، فاطمه، (۹۳/۴)، ۷۶ ساله. تحصیلات: بی‌سواد. بافنده. شهرکرد.

- چوپانی، محترم، (۹۳/۵)، ۷۸ ساله. تحصیلات: بی‌سواد. بافنده. چالش تر.
- حیدری، نرگس، (۹۳/۶)، کارشناس بافت و مرمت فرش، تولیدکننده و مدرس دانشکده هنر فارسان، دانشگاه شهرکرد.
- حامدی، مجید، (۹۳/۶)، طراح نقشه و مدیر عامل شرکت تعاونی فرش شهرکرد.
- حیدری، آرزو، (۹۳/۵)، ۳۸ ساله. تحصیلات: دیپلم. بافنده. سورشجان.
- حیدریان، ایرج، (۹۳/۷)، تولیدکننده و تاجر فرش. شهرکرد.
- درخشنده، رضا، (۹۳/۸)، تاجر فرش. فرخ شهر.
- رحیمی، معصومه، (۹۳/۸)، کارشناس بافت و مرمت فرش، دانشگاه شهرکرد.
- سلطانی دهکردی، رضا، (۹۳/۸)، ۶۷ ساله. استاد منتخب نظارت فنی. شهرکرد.
- شاه‌قلیان، محمود، (۹۳/۵)، تاجر فرش. فرخ شهر.
- صحراگرد، مهین، (۹۳/۷)، ۵۷ ساله. مدرس فنی و حرفه‌ای با بیست سال سابقه کار بافندگی. شهرکرد.
- علی دوستی، محترم، (۹۳/۶)، ۶۶ ساله. تحصیلات: ابتدایی. بافنده. شهرکیان.
- علی دوستی، روح انگیز، (۹۳/۶)، ۵۵ ساله. تحصیلات: ابتدایی. بافنده. شهرکیان.
- عالی پور، مریم، (۹۳/۷)، ۴۴ ساله. تحصیلات: دیپلم. بافنده و تولیدکننده فرش. هفشجان.
- قانی، افسانه، (۹۳/۶)، دکترای پژوهش هنر. عضو هیأت علمی دانشکده هنر فارسان، دانشگاه شهرکرد.
- قلی زاده، مونس، (۹۳/۷)، ۵۵ ساله. تحصیلات: ابتدایی. بافنده. دستنا.
- کبیری، فرانک، (۹۳/۴)، دکترای شهرسازی اسلامی و عضو هیأت علمی دانشکده هنر فارسان، دانشگاه شهرکرد.
- کاظم پور، ایران، (۹۳/۶)، تحصیلات: بی‌سواد. بافنده. چالش تر.
- مهدیان، عصمت، (۹۳/۴)، ۶۵ ساله. تحصیلات: ابتدایی. بافنده. شهرکرد.
- محبی، مریم، (۹۳/۶)، ۶۸ ساله. تحصیلات: بی‌سواد. بافنده. چالش تر.
- نکویی، زهرا، (۹۳/۸)، کارشناس رنگرزی فرش. دانشکده هنر فارسان، دانشگاه شهرکرد.